

رابطه سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی

مطالعه موردی: نوجوانان دبیرستانی شیراز

بیژن خواجه‌نوری*

سیدابراهیم مساوات**، زهرا ریاحی***

چکیده

دوران نوجوانی زمان ارزش‌مندی برای یادگیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی است، زیرا در این دوران است که فرد دوست دارد استقلال بیش‌تری داشته باشد و هم‌چنین باید تصمیماتی درباره برخی از ارزش‌ها و روش‌های رفتاری خود بگیرد. یکی از فاکتورهای اصلی که می‌تواند به انتخاب‌های نوجوانان پختگی ببخشد میزان مسئولیت آن‌ها در کارهای شخصی و اجتماعی است. در این راستا، این پژوهش به بررسی رابطه بین سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی در بین دانش‌آموزان شیرازی پرداخته است. تکنیک استفاده‌شده در این تحقیق پیمایش است و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه خودگزارشی جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری در مدرسه و مسئولیت‌پذیری فردی در میان دختران بیش‌تر از پسران بوده است و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پسران بیش‌تر از دختران است. به علاوه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فردی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه رابطه معنی‌داری با ابعاد سبک زندگی دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مسئولیت‌پذیری فردی، مسئولیت‌پذیری در مدرسه، نوجوانان دبیرستانی شیراز.

* دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) Bkhaje@rose.shirazu.ac.ir

** دانش‌جوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج s.ebrahimmosavat@gmail.com

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز zahra.reyahi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۹

۱. مقدمه

مسئولیت‌پذیری ویژگی‌ای شخصیتی است که معمولاً به صورت نگرش در ساختار روانی و رفتاری فرد شکل می‌گیرد و متغیر عمده و اساسی در رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین در آموزش رفتارهای اجتماعی جای‌گاه درخور توجهی دارد. مسئولیت‌پذیری در ابعاد فردی و اجتماعی مفهومی است که می‌تواند ابزار خوبی برای حفظ انسجام اجتماعی در عین احترام به تفاوت‌ها و فهم آن‌ها باشد.

مسئولیت‌پذیری این‌گونه تعریف می‌شود که فرد بتواند تعهداتی را که بر عهده دارد انجام دهد (Winter, 1992: 500-505). معمولاً شاخص‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری با مواردی هم‌چون موفقیت در کار (Barrick and Mount, 1991; Judge et al., 2002)، عملکرد تحصیلی (Noftle and Robins, 2007)، سلامت روان (Saulsman and Page, 2004)، کیفیت روابط دوستانه نزدیک (Roberts et al., 2004) و رفتارهای سلامتی (Yalom, 1980)، هم‌پسته با طول عمر (ibid) در هم آمیخته است. این‌که فردی را مسئولیت‌پذیر بنامیم به شکل ویژه‌ای با سن وی در ارتباط است. در مطالعه‌ای جوانان ادعا می‌کردند که باید مسئولیت‌پذیری ویژگی‌ای اصلی و لازم برای بالغ دانستن شخص در نظر گرفته شود (Arnett, 2000). در این بین، مدارکی دال بر این وجود دارد که مسئولیت‌پذیری با محرومیت اجتماعی و ارزیابی منفی نوجوانان از بزرگ‌سالی رابطه معکوس دارد. به عبارت دیگر، هرچه نوجوانان یا جوانان محرومیت اجتماعی بیشتری را تجربه کنند یا از بزرگ‌سالی ذهنیتی منفی داشته باشند، احساس مسئولیت‌پذیری آن‌ها کم‌تر خواهد بود (Wood et al., 2007; Wood and Roberts, 2006).

در تقسیم‌بندی‌ای کلی مسئولیت‌پذیری به دو بخش مسئولیت‌پذیری فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تقسیم می‌شود. مسئولیت‌پذیری فردی به این معناست که فرد «خود را در برابر خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و هم‌چنین نیازها و بهروزی دیگران مسئول بداند» (Mergler et al., 2007)؛ اما ایده‌آسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، درباره جوانان، به رسمیت شناختن این نکته است که جوانان بخشی از جامعه‌اند و باید در آرمان‌ها و اهداف اجتماعی مشارکت کنند (Wood and Roberts, 2006). از سوی دیگر، کلی و هم‌کارانش مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در ارتباط نزدیکی با مفاهیمی چون حقوق بشر، عدالت اجتماعی، و تعامل اجتماعی می‌دانند (Kelley et al., 2008).

دوران نوجوانی زمان ارزش‌مندی برای یادگیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی است، زیرا در این دوران است که فرد دوست دارد استقلال بیشتری داشته باشد و باید تصمیماتی درباره برخی از ارزش‌ها و روش‌های رفتاری خود بگیرد. یکی از فاکتورهای اصلی که

می‌تواند به انتخاب‌های نوجوانان پختگی ببخشد میزان مسئولیت آن‌ها در کارهای شخصی و اجتماعی است. تنها با آگاهی از علت‌های یک انتخاب و اراده برای پذیرش مسئولیت این انتخاب است که افراد می‌توانند به دنبال تغییر شرایط، دیدگاه‌ها، و نتایج آن‌ها باشند و گرنه کوشش برای تغییر بی‌معناست و احساس بی‌قدرتی و انفعال فرد را از اصلاح در زندگی خود بازخواهد داشت (سروش، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

در مجموع، مسئولیت‌پذیری در بعد فردی زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری اجتماعی است و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی زیادی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها دیگرخواهی در روابط اجتماعی است. مسئولیت‌پذیری و دیگرخواهی نه فقط دارای آثار خاص پیش‌گفته‌اند، بلکه از آثار اجتماعی آن‌ها در جامعه مدرن نیز نمی‌توان غافل بود. در جامعه‌ای که اکثر روابط غیرشخصی و تعمیم‌یافته است و ارتباط بر اساس نقش و نه هویت فردی و خانوادگی افراد برقرار می‌شود، جریان تعامل اجتماعی در شبکه بزرگ نظام اجتماعی به صورت نوعی مبادله تعمیم‌یافته صورت می‌گیرد.

بنابراین، وجود اعتماد متقابل به هنجارهای عام نظام اجتماعی مقوم کارکرد صحیح جامعه است. افراد در جریان تعامل با سایرین و درک موضوعات گوناگون به آگاهی اجتماعی خود می‌افزایند و از این طریق مهارت‌های اجتماعی لازم را جهت اقدام در عرصه‌های اجتماعی به دست می‌آورند. با توجه به این‌که مسئولیت‌پذیری اجتماعی توانایی‌های اجتماعی، انگیزه تحصیلی، توجه به مباحث اخلاقی و اجتماعی، انضباط شخصی، احساس وظیفه نسبت به دیگران، احترام به دیگران، تعهد به اجتماع و ... را افزایش می‌دهد، توجه به این مسئله بسیار مهم است. مسئولیت‌پذیری در شرایط جامعه چندفرهنگی ایران اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند. مطالعه مسئولیت‌پذیری و متغیرهای مرتبط با آن، از جمله سبک‌های متفاوت زندگی، با توجه به پتانسیلی که در حل مشکلات و مسائل اجتماعی دارد، اهمیت زیادی داشته و می‌تواند در ارائه برنامه‌های عملی برای کاهش این مسائل راه‌گشا باشد.

علاوه بر مطالب ذکرشده پیرامون اهمیت موضوع مسئولیت‌پذیری، بر اساس مطالعاتی که پیرامون این مسئله در داخل کشور انجام شده است، میزان مسئولیت‌پذیری جوانان و نوجوانان در جامعه‌های آماری متفاوت در کشور ما در حد متوسط و یا پایین‌تر از متوسط است (خدابخشی و عابدی، ۱۳۸۸؛ ناظری، ۱۳۸۸؛ طالبی و خوشبین، ۱۳۹۱؛ سروش، ۱۳۹۱). همین حد پایین مسئولیت‌پذیری در جامعه ما به مشکلات متعددی دامن زده است که از جمله آن‌ها می‌توان به کاهش اعتماد اجتماعی، بی‌تفاوتی سیاسی، بی‌تفاوتی زیست‌محیطی، بی‌تفاوتی اجتماعی، و ستیزه و جدال در بین نوجوانان و جوانان و همچنین رابطه ستیزآمیز آنان با والدین اشاره کرد.

برای نمونه می‌توان یادآور شد که اکنون ایران در میان کشورهای جهان از لحاظ خشونت و نزاع‌های خیابانی جزو پنج کشور اول محسوب می‌شود که یکی از دلایل آن می‌تواند پایین بودن سطح مسئولیت‌پذیری شهروندان نسبت به یک‌دیگر باشد (ناظری، ۱۳۸۸)؛ در حالی که اگر جوانان و نوجوانان در خانواده و مدرسه مسئولیت‌پذیری را یاد بگیرند و مردم مشاهده کنند که قانون‌پذیران جای‌گاه شایسته‌تری نسبت به قانون‌گریزان دارند، افراد کم‌تر به سوی نفی آن می‌روند و آرامش روانی حاصل از احساس مسئولیت نسبت به دیگران درون جامعه برقرار می‌شود.

در مطالعات گذشته، مسئولیت‌پذیری با متغیرهای متفاوتی از جمله دیگرخواهی، اعتماد اجتماعی (سروش، ۱۳۹۱)، قومیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، عام‌گرایی (طالبی و خوشبین، ۱۳۹۱)، جهانی‌شدن (سبحانی‌جو، ۱۳۸۴)، تبلیغات (Preston, 2005)، و آگاهی اجتماعی (Bennett, 1999) سنجیده شده است، اما به سبک‌های زندگی کم‌تر توجه شده است. بنابراین، تمرکز این پژوهش بر فرایند مسئولیت‌پذیری با توجه به تنوع سبک‌های زندگی در میان جوانان است؛ چرا که ظهور جامعه مصرفی به سبب فرونی کالاهای مادی از یک سو و دموکراتیزه شدن مصرف و عمومیت یافتن آن از سوی دیگر، به انتخابی شدن زندگی روزمره می‌انجامد و همین امر نشان‌دهنده اهمیت روزافزون سبک زندگی در جامعه معاصر است. سبک زندگی نتیجه همه‌گزینه‌ها، ترجیحات، و رفتارهایی است که فرد در ارتباط با کالاهای مادی و فرهنگ مصرفی انجام می‌دهد (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷: ۴۵). با توجه به آن‌چه تا کنون اشاره شد، تحقیق حاضر در پی پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

- میزان مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه در میان جامعه

آماری تحقیق به چه میزان است؟

- رابطه ابعاد سه‌گانه مسئولیت‌پذیری با سبک‌های زندگی گوناگون چیست؟

- کدام‌یک از ابعاد سبک زندگی موجب تقویت ابعاد مسئولیت‌پذیری می‌شود؟

۲. ادبیات تحقیق

تحقیقات نشان می‌دهد که افراد هرچه بیشتر خود را مسئول بدانند، به مسائل و پیامدهای اعمال خود بیشتر توجه می‌کنند، آن‌ها را جدی‌تر می‌گیرند و برای حل آن‌ها بیش‌تر تلاش می‌کنند (Menzies et al., 2005). مشکلات رفتاری نوجوانان در مدرسه را می‌توان با برنامه‌های خاص افزایش مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی کاهش داد

(Martinek et al., 2001; Lasater et al., 2003; Escarti et al., 2010)؛ روابط آن‌ها را با هم‌سالان، والدین، و معلمان‌شان بهبود بخشید (Mergler et al., 2008)؛ و احساس کارایی، هوش هیجانی، و عزت نفس آن‌ها را افزایش داد (Mergler et al., 2007).

تحقیقات اخیر در زمینه‌های گوناگون نشان می‌دهد که تجارب درون روابط و نقش‌های اجتماعی بر گسترش مسئولیت‌پذیری تأثیر می‌گذارد. برای نمونه مشخص شده است که مسئولیت و جنبه‌های متفاوت وظیفه‌شناسی در میان افراد متأهل افزایش می‌یابد (Roberts et al., 2004) و این امر موجب ارتقای شغلی در بین کارمندان می‌شود (Roberts, 1997). تحقیقی درباره‌ی کودکان نشان می‌دهد که شیوه‌ی منظم رفتاری والدین احتمالاً با گسترش سطح وظیفه‌شناسی کودکان مرتبط است (Kochanska, 1997; Kochanska et al., 2000). هم‌چنین گفته شده است که سطح بالاتر مسئولیت فردی در دوران بلوغ ممکن است نتیجه‌ی مطالبه‌ی جوانان در مواجهه با تکالیفشان باشد (Warton, 2001).

رای لایک ادعا می‌کند که ارتقای نوجوانان به شهروندان مسئولیت‌پذیر هدف مشترک پژوهش‌گران، وکلا، و والدین است. تجدیدنظرها‌ی اخیر برای سنجیدن نظریه‌ی اجتماعی شدن نشان می‌دهد که استراتژی‌های والدین برای انتقال ارزش‌ها به فرزندان تعدیل یافته و نوجوانان عوامل فعالی در این فرایندند. رای لایک برای مطالعه‌ی این مورد تحقیقی انجام داد که نتایج مدل رگرسیونی آن بیان می‌کند که ارزش‌های خودمتمالی، اعتقادات مسئولیت‌پذیری اجتماعی، و باورهای سلامتی عمومی نوجوانان تحت تأثیر پنداشت آن‌ها از دل‌سوزی والدینشان است (Wray-Lake, 2010).

پرستون نیز درباره‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تبلیغات در کودکان پژوهشی انجام داده و نتیجه می‌گیرد که اگرچه کودکان کوچک‌تر در برابر پیام‌های تبلیغاتی آسیب‌پذیرترند، لزوماً این‌گونه نیست که پیام‌های تبلیغاتی مسئولیت‌پذیری کودکان را تضعیف کند (Preston, 2005).

سروش در بررسی رابطه‌ی میان احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی، و رفتارهای دیگرخواهانه در میان نوجوانان بیان می‌کند که بیش از نیمی از نوجوانان شیرازی حداقل در سطح متوسط احساس مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی قرار داشته و در حد متوسطی نیز واجد اعتماد اجتماعی بوده‌اند. نتایج استنباطی نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری فردی با اعتماد اجتماعی، اعتماد به گروه‌ها، و دیگرخواهی رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد، اما مسئولیت‌پذیری اجتماعی با اعتماد رابطه‌ی منفی معنادار دارد و با دیگرخواهی نیز رابطه‌ی معناداری ندارد (سروش، ۱۳۹۰).

۳. مبانی نظری

جامعه‌شناسان اولیه، هم‌چون دورکیم، وبر، و زیمل، همواره مواردی مانند فردگرایی شدید، کاهش اخلاق جمعی، و اختلال در مسئولیت‌پذیری را از جمله مسائل و دغدغه‌های جوامع مدرن می‌دانستند (کوزر، ۱۳۸۶). تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی از ویژگی‌های شخصیتی افراد است که تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد (کرایب، ۱۳۸۹: ۵۳ به نقل از پارسونز). پارسونز با تأکید بر عام‌گرایی آن را یکی از عوامل اجتماعی‌ای می‌خواند که منجر به افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی کنش‌گران می‌شود. عام‌گرایی یکی از عناصر ساختی نظام کنش در فرایند انتخاب‌های دوتایی است که کنش‌گران در موقعیت عمل می‌بایست بر اساس استانداردهای عام نقش با دیگران برخورد کنند (استونز، ۱۳۸۸: ۱۵۷؛ روشه، ۱۳۷۶: ۷۰).

با استفاده از نظریات اندیشمندان مختلف می‌توان بیان کرد که عوامل گوناگونی مانند تمایزات طبقاتی (بورديو)، دین‌داری (دورکیم، وبر، و پارسونز)، و استفاده از رسانه‌های گروهی (گربر) بر مسئولیت‌پذیری افراد تأثیر می‌گذارند. مجموعه مواردی که ذکر شد نشان‌دهنده شیوه و سبک زندگی متفاوتی است که در افراد مختلف متفاوت است و در نتیجه میزان متفاوتی از مسئولیت‌پذیری را در افراد ایجاد می‌کند.

در خصوص تمایزات طبقاتی و در نتیجه شکل‌گیری هویت‌های گوناگون، باید اشاره کرد که گروه‌های هم‌رده و هم‌طبقه با شیوه‌های گوناگونی خود را از الگوهای مصرفی گروه دیگر متمایز می‌کنند. در این بین، گروه‌های خاص، به ویژه طبقات اجتماعی - اقتصادی، از میان انواع کالاهای مصرفی، روش‌های لباس پوشیدن، غذا خوردن، تفریح و ورزش، آرایش کردن، مبلمان و تزئین داخلی منزل، و ... انتخاب‌هایی را انجام می‌دهند تا روش زندگی مجزای خود را مشخص و خود را از دیگران متمایز کنند (Bourdieu, 1984: 30). عامل اصلی این‌گونه تمایزات طبقاتی و هویتی و شکل‌گیری عملکردهای گوناگون ذائقه است (Lenehan, 1994: 4). ذائقه مصرف را جهت می‌دهد و با شکل‌دهی به آن سبک‌های زندگی متفاوتی شکل می‌گیرد، زیرا ذائقه مجموعه‌ای از انتخاب‌ها را فراهم می‌آورد که به صورت کلی سبک‌های زندگی را سامان می‌بخشد.

در ادامه مطالب فوق باید تأکید کرد که اندیشه و عملکرد کنش‌گران اجتماعی بیش از هر چیز تحت تأثیر ساخت‌های اقتصادی و اجتماعی است (Southerton, 2001). افراد درون پایگاه اقتصادی و اجتماعی خود به تدریج ذائقه‌هایی را به دست می‌آورند که هر یک از این ذائقه‌ها (نوع خوراک، پوشاک، تفریحات، ورزش، علایق، و سلايق) در ادامه بر نحوه نگرش، تصمیم‌گیری، و عملکرد آن‌ها تأثیر می‌گذارد (ممتاز، ۱۳۸۳: ۲۷ به نقل از بورديو).

بر اساس آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که میزان مسئولیت‌پذیری در طبقات گوناگون بر اساس سبک زندگی آن‌ها متفاوت باشد و افراد گوناگون با توجه به ساختمان‌های ذهنی مشابه، که بر مبنای سبک زندگی خاص خود کسب کرده‌اند، ارتباط معناداری را با مسئولیت‌پذیری تجربه کنند.

به‌علاوه، در خصوص ارتباط مسئولیت‌پذیری با سبک‌های زندگی می‌توان اشاره کرد که افراد تحت تأثیر تمایزات اجتماعی و ذائقه‌های خود نوع رفتارهای اجتماعی‌شان، و از جمله مسئولیت‌پذیری‌شان، تغییر می‌کند؛ چرا که همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ذائقه مجموعه‌ای از انتخاب‌ها را فراهم می‌آورد که به صورت کلی سبک‌های زندگی و رفتارهای افراد مشمول آن سبک زندگی را سامان می‌بخشد. مسئولیت‌پذیری در یک میدان اجتماعی رخ می‌دهد. فردی که مسئولیت‌پذیری دارد، احتمالاً در نظر دارد که چگونه رفتارها و تصمیماتش بر دیگران تأثیر خواهد گذاشت؛ چراکه افراد در جریان تعامل با سایرین و درک موضوعات گوناگون به آگاهی اجتماعی خود می‌افزایند و از این طریق مهارت‌های اجتماعی لازم را برای اقدام در عملکردهای اجتماعی به دست می‌آورند. در این راستا، به نظر می‌رسد سبک‌های زندگی متفاوت می‌تواند بر مسئولیت‌پذیری اثرگذاری داشته باشد. برای نمونه، سبک زندگی دینی، با توجه به اهمیتی که برای روابط متقابل با دیگران، حقوق دیگران، و ... قائل است، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش مسئولیت‌پذیری در ابعاد گوناگون باشد. از سوی دیگر، سبک‌های گذران فراغتی که مبتنی بر فردگرایی یا روابط محدود باشد و هم‌چنین استفاده زیاد از رسانه‌ها و محیط‌های مجازی که معمولاً نیازمند حضور دیگران نیست بستر کاهش مسئولیت‌پذیری را رقم می‌زند که البته با توجه به سایر نظریات نیز می‌توان آن‌ها را توضیح داد.

در خصوص لزوم کنترل و الزام‌های دینی و ارتباط آن با مسئولیت‌پذیری کنش‌گران می‌توان به نظریه دورکیم اشاره کرد. در نگاه دورکیم، کاهش میزان دین‌داری افراد زمینه نابه‌هنجاری اجتماعی را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، داشتن التزام به هنجارهای دینی و مناسک مذهبی در بالا بردن مسئولیت‌پذیری کنش‌گران نقش اساسی دارد (همیلتون، ۱۳۸۷). هم‌چنین از نگاه وبر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را می‌توان به کنش عقلانی معطوف به ارزش نسبت داد. کنشی که بر اساس آن هنجار، اخلاق، و نوع‌دوستی ارزش در نظر گرفته می‌شوند. از این روست که ماکس وبر مسئولیت اجتماعی را مترادف با اخلاق مسئولیت می‌داند و مهم‌ترین خصلت آن را ارادی و آزاد بودن فرد بیان می‌کرد (طالبی و خوشبین، ۱۳۹۱ به نقل از ترنر و روجک).

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد چگونگی استفاده از رسانه‌های جمعی، که یکی از عوامل جامعه‌پذیر کردن افرادند، می‌تواند در بالا بردن مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان نقش‌آفرینی کند. در این باره، گریتر بر اهمیت تأثیر رسانه‌های جمعی، به‌ویژه تلویزیون، بر اندیشه و عملکردهای کنش‌گران اجتماعی تأکید دارد. بر مبنای این نظریه، رسانه‌های جمعی قابلیت ایجاد، کنترل، یا تغییر نگرش و اعمال مخاطبان را دارند (طالبی و خوشبین، ۱۳۹۱). البته در همین راستا می‌توان از مباحث تأثیر رسانه‌ها در چهارچوب بحث سبک زندگی بورديو نیز استفاده کرد (باکاک، ۱۳۸۱)؛ زیرا رسانه‌ها، که نوعی کالای مصرفی‌اند، منجر به انتخاب‌هایی می‌شوند که بر اساس آن‌ها افراد روش زندگی مجزای خود را مشخص و خود را از دیگران متمایز می‌کنند (حمیدی و فرجی، ۱۳۸۶: ۷۲).

به مطالبی که گفته شد می‌توان نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، و گذران اوقات فراغت را نیز اضافه کرد (باکاک، ۱۳۸۱ به نقل از بورديو). می‌توان گفت سبک‌های فراغتی جمع‌محور در مقایسه با سبک‌های فراغتی فردمحور جوانان را مسئولیت‌پذیرتر می‌کند. هم‌چنین تفریحات و ورزش‌های جمعی در مقایسه با ورزش‌های انفرادی حس مسئولیت‌پذیری را در جوانان تقویت می‌کند. بر اساس آنچه در قسمت نظری مطرح شد، فرضیات زیر مطرح می‌شود:

- بین مسئولیت‌پذیری فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، و مسئولیت‌پذیری در مدرسه و جنسیت پاسخ‌گویان رابطه وجود دارد.
- بین مسئولیت‌پذیری در مدرسه و ابعاد سبک زندگی (فعالیت‌های اوقات فراغت، فعالیت‌های مذهبی، رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی، و سبک ورزشی - فرهنگی) رابطه وجود دارد.
- بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد سبک زندگی (فعالیت‌های اوقات فراغت، فعالیت‌های مذهبی، رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی، و سبک ورزشی - فرهنگی) رابطه وجود دارد.
- بین مسئولیت‌پذیری فردی و ابعاد سبک زندگی (فعالیت‌های اوقات فراغت، فعالیت‌های مذهبی، رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی، و سبک ورزشی - فرهنگی) رابطه وجود دارد.

۴. روش تحقیق

این تحقیق با روش تحقیق کمی و به شیوه پیمایشی انجام شده است. پیمایش شیوه مناسبی

برای تحقیقاتی از این دست محسوب می‌شود؛ زیرا جامعه آماری و حجم نمونه در چنین تحقیقاتی گسترده است. چهارچوب نمونه‌گیری تحقیق محدوده مصوب شهر شیراز و شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای بوده است. در شهر شیراز ۱۰ منطقه وجود دارد که در این تحقیق از همه آن‌ها نمونه‌هایی انتخاب شد. از هر منطقه چهار حوزه به صورت تصادفی برگزیده شد و سپس درون هر حوزه مداری انتخاب شدند و بر اساس جنسیت و رشته تحصیلی دانش‌آموزان، پرسش‌نامه‌ها در میان آن‌ها توزیع گردید. برای محاسبه حجم نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری لین استفاده شد (Lin, 1978: 446-447). نمونه‌گزینی با ضریب پایایی ۰.۵±، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) در میان ۱۵۲۳ دانش‌آموز انتخاب شد.

۱.۴ تعاریف متغیرها

سبک زندگی: برخی مطالعات سبک زندگی را الگوها و عادات غذایی ذکر کرده‌اند (Tomlinson, 2003; Sarrafzadegan et al., 2009; Heiman et al., 2009). برخی دیگر سبک زندگی را الگوهای رفتاری، اوقات فراغت، و استفاده از کالاهای مادی و فرهنگی بیان کرده‌اند (فاضلی، ۱۳۸۲؛ Ross and Karvonen, 2004). در این پژوهش ابعاد مختلف سبک زندگی بر اساس تحلیل عامل اکتشافی به دست آمده است. گفتنی است در این تحقیق مقدار $KMO = 0/913$ است که نشان می‌دهد $91/3$ درصد از هم‌بستگی‌های مشاهده‌شده مربوط به خود متغیرهاست و در نتیجه تحلیل عاملی مناسبی خواهیم داشت (با توجه به اینکه 0.5 پایه قبول تحلیل عاملی است). از سوی دیگر، آزمون کروی بارتلت نشان می‌دهد که اگر ماتریس ضریب هم‌بستگی همانی شود، هم‌بستگی بین متغیرها صفر می‌شود، یعنی متغیرها هیچ تعاملی با هم ندارند و تقلیل داده‌ای صورت نمی‌گیرد و در نتیجه تحلیل عامل کاربردی نخواهد بود. بر اساس نتایج، از آن‌جا که میزان خردی دو آزمون کروی بارتلت عدد $21572/64$ را نشان می‌دهد و در سطح معناداری 99 درصد معنادار است نشان‌دهنده این واقعیت است که تحلیل عاملی به درستی انجام شده است.

جدول ۱. آزمون KMO و کروی بارتلت مربوط به سبک زندگی

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		۰/۹۱۳
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۲۱۵۷۲/۶۴
	df	۹۴۶
	Sig.	۰/۰۰۰

رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی: شامل تماشای کانال‌های خارجی، استفاده از اینترنت برای تماشای شو، فیلم، عکس هنرپیشه‌ها، یافتن مدل‌های لباس، مطالعه سایت‌های اینترنتی آرایشی و لوازم مرتبط با آن، پیامک‌بازی، بلوتوس‌بازی، و ... است. پایایی گویه‌های سازنده شبکه‌های مجازی ۰/۸۷ است.

سبک ورزشی - فرهنگی: این مورد شامل حضور در کافی‌نت، شنا کردن، رفتن به تماشای مسابقات (والیبال، فوتبال، و بسکتبال) و حضور در سینماست. ضریب پایایی این سبک زندگی ۰/۷۷ است.

فعالیت‌های مذهبی: شامل تماشای برنامه‌های مذهبی تلویزیون داخلی، هم‌کاری با هیئت‌های دینی، حضور در مکان‌های زیارتی (مذهبی)، گوش دادن به برنامه‌های مذهبی رادیوی داخلی، انجام فعالیت‌های مذهبی در خانه (مانند نمازهای روزانه)، و ... است. پایایی گویه‌های تشکیل‌دهنده فعالیت‌های مذهبی ۰/۸۷ است.

فعالیت‌های اوقات فراغت: شامل فعالیت‌هایی مانند گشت و گذار در خیابان‌ها و پاساژها، فعالیت هنری مانند نقاشی، نوازندگی، خیاطی، حضور در پارک‌ها و تفرج‌گاه‌ها، صرف غذا در فست‌فود، ساندویچ‌فروشی، کلاس زبان‌های خارجی یا آموزش رایانه و نرم‌افزارهای آن و بودن در کنار دوستان است. پایایی گویه‌ها ۰/۷۹ است.

مسئولیت‌پذیری: کلمز (Clemes) و بین (Been) مسئولیت را به مفهوم تصمیم‌گیری مناسب و مؤثر دانسته‌اند. منظور آن‌ها از تصمیم‌گیری مناسب این است که فرد در چهارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که از او می‌رود دست به انتخاب بزند تا سبب برقراری روابط انسانی مثبت، موفقیت، و افزایش ایمنی و آسایش خاطر شود. منظور از پاسخ مؤثر پاسخی است که فرد را قادر کند تا به هدف‌هایی که باعث تقویت عزت نفسش می‌شوند دست یابد (کلمز و بین، ۱۳۸۵). بر اساس تحلیل عاملی، ابعاد زیر برای مسئولیت‌پذیری تعریف شد.

جدول ۲. آزمون KMO و کروی بارتلت مربوط به مسئولیت‌پذیری

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		۰/۸۵۷
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۵۵۰/۹۹۳
	Df	۱۰۵
	Sig.	۰/۰۰۰

مسئولیت‌پذیری در مدرسه: این مورد شامل گویه‌های کمک به مسئولان مدرسه در امور مدرسه، شانه خالی نکردن از کارهایی که از عهده فرد برمی‌آید، و آرامش دادن به هم‌کلاسی‌هایی که خیلی ناراحت‌اند است. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۷۱ است.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی: انسان موجودی اجتماعی است که در زندگی جمعی خویش در برابر دیگران مسئول است و می‌بایست برای حقوق دیگران احترام قائل شود - دیگرانی که در دو نوع خاص و عام تفکیک‌پذیرند. مسئولیت‌پذیری خاص ناظر بر تعهد و مسئولیت در قبال دیگرانی است که کنش‌گر با آن‌ها رابطه عاطفی دارد، مانند پدر، مادر، خواهر، برادر، فرزند، و دوستان. مسئولیت‌پذیری عام به دیگرانی به مفهوم عام اشاره دارد که رابطه کنش‌گر با آن‌ها قراردادی و غیرعاطفی است. مثلاً لازم است که همه افراد جامعه، در جای‌گاه شهروند، در برابر دیگر شهروندان و امور جامعه خود احساس مسئولیت کنند (طالبی و خوشبین، ۱۳۹۱: ۲۱۱). این متغیر شامل گویه‌هایی است مثل اگر کسی دچار آسیب‌دیدگی شود به کمک او می‌شتابم؛ هر کس باید در پاکیزه نگه داشتن محله خود کوشش کند؛ و این‌که حق دیگران را در صف‌ها رعایت می‌کنم. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۸۵ است.

مسئولیت‌پذیری فردی: همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مسئولیت‌پذیری فردی به این معناست که فرد «خود را در برابر خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و همچنین نیازها و بهروزی دیگران مسئول بداند» (Mergler et al., 2007). گویه‌هایی مانند اتو زدن لباس‌های شخصی، شستن لباس‌ها، و درس خواندن بدون فشار والدین مربوط به این متغیرند. آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۷۸ است.

۵. یافته‌های تحقیق

جدول ۳. مقایسه تفاوت میانگین جنسیت پاسخ‌گویان در ابعاد گوناگون مسئولیت‌پذیری

معنی‌داری	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	متغیرهای وابسته	
۰/۰۰۰	-۷/۸۳	۶/۷۷	۲۰/۱۳	پسر	مسئولیت‌پذیری در مدرسه
		۵/۵۲	۲۲/۹۷	دختر	
۰/۰۰۰	۴/۱۴	۵/۹۲	۱۲/۴۶	پسر	مسئولیت‌پذیری اجتماعی
		۶/۰۵	۱۱/۰۶	دختر	
۰/۰۰۰	-۵/۹۳	۵/۲۳	۹/۳۳	پسر	مسئولیت‌پذیری فردی
		۵/۱۸	۱۱/۰۵	دختر	

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میانگین نمره دختران در مسئولیت‌پذیری در مدرسه (۲۲/۹۷) و مسئولیت‌پذیری فردی (۱۱/۰۵) بیش از پسرها (۲۰/۱۳ و ۹/۳۳) است؛ اما میانگین نمره پسرها در مسئولیت‌پذیری اجتماعی (۱۲/۴۶) بیش از میانگین نمره دخترها (۱۱/۰۶) است. هم‌چنین بر اساس جدول ۱ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین ابعاد مسئولیت‌پذیری با گروه‌های جنسیتی وجود دارد.

جدول ۴. هم‌بستگی بین مسئولیت‌پذیری در مدرسه و ابعاد سبک زندگی

متغیرهای مستقل	مسئولیت‌پذیری در مدرسه
فعالیت‌های اوقات فراغت	-۰/۱۲۷**
فعالیت‌های مذهبی	۰/۱۶۷**
رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی	-۰/۱۶۴**
سبک ورزشی-فرهنگی	-۰/۰۱۱

**p < ۰/۰۱

جدول ۴ نشان می‌دهد که رابطه هم‌بستگی بین فعالیت‌های اوقات فراغت، فعالیت‌های مذهبی، و رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی (متغیرهای مستقل) با مسئولیت‌پذیری در مدرسه (متغیر وابسته) وجود دارد؛ اما رابطه معنی‌داری بین سبک زندگی ورزشی-فرهنگی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه وجود ندارد. بر اساس ضریب هم‌بستگی در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد، رابطه مثبت و مستقیمی بین فعالیت‌های مذهبی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه برقرار است. بدین معنا که هرچه فعالیت‌های مذهبی پاسخ‌گویان بیش‌تر باشد، مسئولیت‌پذیری آن‌ها در مدرسه هم بیش‌تر خواهد بود. از سوی دیگر، همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بین فعالیت‌های اوقات فراغت و رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی با مسئولیت‌پذیری در مدرسه رابطه منفی وجود دارد.

جدول ۵. هم‌بستگی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد سبک زندگی

متغیرهای مستقل	مسئولیت‌پذیری اجتماعی
فعالیت‌های اوقات فراغت	-۰/۹۴**
فعالیت‌های مذهبی	۰/۴۱۱**
رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی	۰/۰۴۵
سبک ورزشی-فرهنگی	۰/۲۳۴**

**p < ۰/۰۱

جدول ۵ نشان‌دهنده این است که رابطه مثبتی بین فعالیت‌های مذهبی و سبک ورزشی-فرهنگی (مثل شنا کردن، بسکتبال، رفتن به سینما، تئاتر، و نمایشگاه‌ها) و مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود دارد. فعالیت‌های دینی و حضور در جلسات مذهبی نقش مهمی در یک‌پارچگی معنوی و پذیرش مسئولیت اجتماعی در میان مردم دارد. از سوی دیگر، رابطه‌ای منفی بین فعالیت‌های اوقات فراغت مرتبط با جهانی شدن و مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود دارد (در واقع، ظاهراً افراد هرچه بیش‌تر تحت فرایند جهانی شدن قرار بگیرند، مسئولیت‌پذیری اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد)؛ اما رابطه معنی‌داری بین رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود ندارد.

جدول ۶. هم‌بستگی بین مسئولیت‌پذیری فردی و ابعاد سبک زندگی

مسئولیت‌پذیری فردی	متغیرهای مستقل
۰/۱۵۸**	فعالیت‌های اوقات فراغت
۰/۲۸۴**	فعالیت‌های مذهبی
۰/۱۳۱**	رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی
۰/۰۴۷	سبک ورزشی-فرهنگی

** $p < ۰/۰۱$

جدول ۶ نشان می‌دهد که بین فعالیت‌های اوقات فراغت و رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی (مجلات، روزنامه، تلویزیون، استفاده از بلوتوس، پیامک، و ...) با مسئولیت‌پذیری فردی رابطه منفی وجود دارد. این‌چنین فعالیت‌ها و تسهیلات روابط عمومی جدیدی را شکل می‌دهند و دیدگاه‌ها و علایق افراد را گسترش می‌دهند. بر اساس نتایج، هرچه افراد از این سبک‌های زندگی استفاده بیش‌تری داشته باشند، مسئولیت‌پذیری فردی‌شان کاهش می‌یابد. هم‌چنین رابطه مثبتی بین فعالیت‌های مذهبی و مسئولیت‌پذیری فردی وجود دارد؛ یعنی افراد مذهبی‌تر، مسئولیت‌پذیری فردی بیش‌تری دارند.

جدول ۷. هم‌بستگی بین مسئولیت‌پذیری کلی و ابعاد سبک زندگی

مسئولیت‌پذیری کلی	متغیرهای مستقل
۰/۱۵۵**	فعالیت‌های اوقات فراغت
۰/۳۶۹**	فعالیت‌های مذهبی
۰/۰۹۵**	رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی
۰/۱۲۲**	سبک ورزشی-فرهنگی

** $p < ۰/۰۱$

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، رابطه مثبتی بین فعالیت‌های مذهبی و سبک ورزشی - فرهنگی با مسئولیت‌پذیری کلی وجود دارد. از سوی دیگر، رابطه منفی معنی‌داری بین فعالیت‌های اوقات فراغت و رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی با مسئولیت‌پذیری کلی وجود دارد.

جدول ۸. متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس مسئولیت‌پذیری کلی

ورود متغیرها	متغیرهای وارد معادله	R ²	F	Beta	T
اول	فعالیت‌های مذهبی	۰/۱۳۶	۱۸۲/۶۳**	۰/۳۶۹	۱۳/۵۱**
دوم	فعالیت‌های اوقات فراغت	۰/۱۴۳	۹۶/۷۵**	-۰/۰۸۵	-۳/۰۸
سوم	سبک ورزشی - فرهنگی	۰/۱۵۹	۷۲/۵۱**	۰/۱۵۶	۴/۵۵**
چهارم	رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی	۰/۱۶۶	۵۷/۴۳**	-۰/۱۱۲	-۳/۲۲**

**p < ۰/۰۱

جدول ۸ نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره را به شیوه گام‌به‌گام برای متغیر وابسته مسئولیت‌پذیری کلی نشان می‌دهد. نتایج آماری نشان‌دهنده آن است که متغیرهای فعالیت‌های مذهبی، فعالیت‌های اوقات فراغت، سبک ورزشی - فرهنگی، و رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مجازی به ترتیب وارد معادله شده‌اند. مدل رگرسیونی با ۴ متغیر فوق توانسته است تا ۱۶/۶ درصد تغییرات متغیر مسئولیت‌پذیری را تبیین کند.

۶. نتیجه‌گیری

در این مطالعه رابطه بین سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی بین دانش‌آموزان شیرازی بررسی شد. نتایج تحقیق حاکی از این بود که اگرچه مسئولیت‌پذیری در مدرسه و مسئولیت‌پذیری فردی در میان دختران بیش از پسران بود، مسئولیت‌پذیری اجتماعی پسران بیش از دختران است. این نتیجه هم‌سو با نتیجه منزیس و دیگران (۲۰۰۵) بوده است. به‌علاوه، مسئولیت‌پذیری در مدرسه رابطه معنی‌داری با سبک زندگی جهانی‌شده، فعالیت‌های دینی، و رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی دارد؛ در حالی که با امکانات فرهنگی - ورزشی رابطه معنی‌داری ندارد. در خصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همان‌طور که در جداول نشان داده شد، رابطه مثبت معنی‌داری با فعالیت‌های دینی و رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی وجود داشت، اما رابطه آن با سبک زندگی جهانی‌شده منفی بود. نهایتاً رابطه معنی‌داری بین فعالیت‌های دینی و رسانه‌های جمعی و

شبکه‌های مجازی و مسئولیت‌پذیری فردی به دست آمد، اما رابطه این متغیر با سبک زندگی جهانی شده منفی بود.

در مجموع، باید گفت مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی متغیر بسیار مهمی در ایجاد موفقیت فردی و احساس خودکارآمدی است. در واقع، احساس مسئولیت فردی پایه‌ای روان‌شناختی برای موفقیت و رفتار دیگرخواهانه و سهم کردن دیگران در منابع محسوب می‌شود. از آنجا که مسئولیت‌پذیری را می‌توان در دوره نوجوانی ایجاد کرد و ارتقا داد، مسئولان آموزشی جامعه باید به این مهم توجه بیشتری داشته باشند. تلاش برای افزایش مسئولیت‌پذیری نه تنها می‌تواند رفتار دیگرخواهانه را افزایش دهد، بلکه در سطح کلان جامعه جرائم را (حداقل بخشی که تحت تأثیر این متغیر است) کاهش می‌دهد و هزینه‌های برخورد با مسائل و مشکلات اجتماعی را با افزایش اعتماد و در نتیجه سطح سرمایه اجتماعی موجود در جامعه کم‌تر می‌کند. به گواهی تحقیقات، سرمایه اجتماعی در ایران در سطح پایینی قرار دارد (سعادت، ۱۳۸۷؛ سیاهپوش، ۱۳۸۷) و در طول نسل‌ها دچار فرسایش شده است. کمک به رواج رفتارهای دیگرخواهانه می‌تواند به افزایش سطح سرمایه اجتماعی نیز کمک کند و از این طریق برکات مضاعفی برای جامعه ایرانی فراهم کند؛ زیرا افراد جامعه با احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اعتماد، و سرمایه اجتماعی خود همه بار را به دوش مسئولان رسمی کشور نخواهند انداخت و با هم‌کاری با یک‌دیگر برای حل مشکلات خواهند کوشید (سروش، ۱۳۹۰).

ابعاد گوناگون مسئولیت‌پذیری از جنبه‌های گوناگونی مفیدند و به سطح عمومی زندگی فردی و اجتماعی کمک می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: پاسخ‌گویی در قبال وظایف خود، افزایش پویایی در میان افراد جامعه، بالاتر رفتن اعتماد به نفس افراد، افزایش نظارت اجتماعی، تقویت سرمایه انسانی، گسترش روحیه هم‌کاری و تعاون در جامعه، افزایش مشارکت اجتماعی، ارتقای سرمایه اجتماعی، فراهم شدن امنیت روانی افراد و جامعه، روابط اجتماعی بهتر با دیگران، بیش‌تر شدن اعتماد اجتماعی در جامعه، و افزایش رضایت درونی افراد.

منابع

- استونز، راب (۱۳۸۸). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: مرکز. باکاک، رابرت (۱۳۸۱). مصرف، ترجمه خسرو صبوری، تهران: شیرازه.

- حمیدی، نفیسه و مهدی فرجی (۱۳۸۶). «سبک زندگی و پوشش زنان در تهران»، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، س ۱، ش ۱.
- خدابخشی، مهدی و محمدرضا عابدی (۱۳۸۸). «بررسی روش‌های افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر شهرضا»، مجله دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، دوره پنجم، ش ۱.
- ربانی، رسول و یاسر رستگار (۱۳۸۷). «جوان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی»، ماه‌نامه مهندسی فرهنگی، س ۳، ش ۲۳ و ۲۴.
- روشه، گی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: تیان.
- سبحانی‌جو، حیاتعلی (۱۳۸۴). «خانواده، تحولات جهانی و مسئولیت‌های اجتماعی»، نشریه پیوند، ش ۳۱۵.
- سروش، مریم (۱۳۹۰). «مقایسه بین‌نسلی سرمایه‌ها و فرصت‌های زندگی زنان و بازنمایی آن‌ها در سبک زندگی (نمونه مورد مطالعه زنان ۲۵ تا ۳۹ سال شیراز و استهبان)»، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- سروش، مریم (۱۳۹۱). «احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، دیگرخواهی و اعتماد اجتماعی (مطالعه نوجوانان شیراز)»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۳، پیاپی ۴۶.
- سعادت، رحمان (۱۳۸۷). «برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران با استفاده از روش فازی»، تحقیقات اقتصادی، س ۴۳، ش ۸۳.
- سیاهپوش، امیر (۱۳۸۷). «فراتحلیل مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران»، راهبرد فرهنگ، س ۱، ش ۲.
- طالبی، ابوتراب و یوسف خوشبین (۱۳۹۱). «مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان»، فصل‌نامه علوم اجتماعی، ش ۵۹.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، تهران: صبح صادق.
- کرایب، یان (۱۳۸۹). نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه.
- کلمز، هریس و رینولد بین (۱۳۸۵). آموزش مسئولیت به کودکان، ترجمه پروین علی‌پور، مشهد: آستان قدس رضوی.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۶). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳). «طبقه از دیدگاه بوردیو»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، ش ۴۱ و ۴۲.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی نظریه کاشت و دریافت در ارتباطات، تهران: مرکز مطالعات و تحقیق و سنجش.
- ناظری، مهرداد (۱۳۸۸). «مسئولیت‌پذیری، گامی بلند به سوی جامعه مدنی»، گزارش، س ۱۸، ش ۲۱۱.
- همپلتون، ملکم (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.

Arnett, J. (2000). 'Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties', *American Psychologist*, No. 55.

Barrick, M. R. and M. K. Mount (1991). 'The Big Five personality dimensions and job performance: A metaanalysis', *Personnel Psychology*, No. 44.

Bennett, R. (1999). 'Children's Social Consciousness and the Development of Social Responsibility', *Educational Leadership*, vol. 56, No. 4.

- Bourdieu, P. (1984). *Distinction*, London: Routledge and Kegan Paul.
- Escarti, A. et al. (2010). 'Application of Hellison's Teaching Personal and Social Responsibility Modar in Physical Esucation to Improve self-Efficasy for Adolescents at Risk of Dropping-out of School', *the Spanish Journak of Psychology*, Vol. 13, No. 2, pp. 667-676.
- Heiman, A. et al. (2009). 'Religiosty, life stayle and food consumption', *giannini foundation of agricultural economic*, Available in www.agecon.ucdavis.edu.
- Judge, T. A., D. Heller, and M. K. Mount (2002). 'Five-factor model of personality and job satisfaction: A metaanalysis', *Journal of Applied Psychology*, No. 87.
- Kelley, M. A. et al. (2008). 'Social responsibility: Conceptualization and embodiment in a school of nursing', *International Journal of Nursing Education Scholarship*, No. 5(1), Article 28.
- Kochanska, G. (1997). 'Multiple pathways to conscience for children with different temperaments: From toddlerhood to age 5', *Developmental Psychology*, No. 33.
- Kochanska, G., K. T. Murray, and E. T. Harlan (2000). 'Effortful control in early childhood: Continuity and change, antecedents, and implications for social development', *Developmental Psychology*, No. 36.
- Lasater, L. et al. (2003). 'Using Social Responsibility Training (SRT) ti Support Youth School Success', *Reaserch report in Character Development Systems*, Available in www.CharacterDevelopmentSystems.com.
- Lenehan, Eric (1994). *Postmodern medievalism*, Philadelphia: University of Tasmania, General information.
- Martinek, T., T. Schilling, and D. Johenson (2001). 'Transferins Personal and Social Responsibility of Underserved Youth ti the Classroom', *The Urban Review*, Vol. 33, No.1.
- Menzies, R. G. et al. (2005). 'The Relationship Between Inflated Personal Responsibility and Exaggerated Danger Expectancies in Obsessive-Compulsive Concerns', *Behaviour Research and Theory*, Vol. 38.
- Mergler, A., F. M. Spencer, and W. A. Patton (2007). 'Relationships Between Personal Responsibility, Emotional Inteligence and Self Steem in Adolescents and Young Adults', *The Australian Educational and Developmental Psychologist*, Vol. 24, No. 1.
- Mergler, A., F. M. Spencer, and W. A. Patton (2008). 'Personal Responsibility: The Creation, Implementation and Evaluation of a School-Based Progra', *Journal of Student Well-beeing*, Vol. 2, No. 1.
- Noftle, E. E. and R. W. Robins (2007). 'Personality predictors of academic outcomes: Big Five correlates of GPA and SAT scores', *Journal of Personality and Social Psychology*, No. 93.
- Preston, Ch. (2005). 'Advertising to children and social responsibility', *World Advertising Research Center*, Quarter 3.
- Roberts, B. W. (1997). 'Plaster or plasticity: Are adult work experiences associated with personality change in women?', *Journal of Personality*, No. 65.
- Roberts, B. W. et al. (2004). 'A lexical investigation of the lower-order structure of conscientiousness', *Journal of Research in Personality*, No. 38.
- Ross, E. and S. Karvonen (2004). 'Life stayles, social background and eating patern of 15-year-old boys and gils in fland', *Journal of youth studies*, Vol. 17, No. 3.
- Sarrafzadegan, N. et al. (2009). 'Do life stayle interventions work in developing countries?'

- Finding from the isfahan healthy heart program in the Islamic Republic of Iran', *bull word healt organ*, Vol. 87.
- Saulsman, L. M. and A. C. Page (2004). 'The five-factor model and personality disorder empirical literature: A meta-analytic review', *Clinical Psychology Review*, No. 23.
- Southerton, Dale (2001). 'Consuming Kitchens: Taste, context and identity formation', *Journal of Consumer Culture*, Vol. 1(2).
- Tomlinson, Mark (2003). 'Life style and social class', *European sociological review*, Vol. 19, No. 1.
- Warton, P. M. (2001). 'The forgotten voices in homework: Views of students', *Educational Psychologist*, No. 36.
- Winter, D. G. (1992). *Responsibility*, C. P. Smith and J. W. Atkinson (eds.), *Motivation and personality: Handbook of thematic content analysis*, New York: Cambridge University Press.
- Wood, D. and B. W. Roberts (2006). 'The effect of age and role information on expectations for Big Five personality traits', *Personality and Social Psychology Bulletin*, No. 32.
- Wood, D., S. D. Gosling, and J. Potter (2007). 'Normality evaluations and their relation to personality traits and well-being', *Journal of Personality and Social Psychology*, No. 93.
- Wray-Lake, L. (2010). *The development of school responsibility adolescence: Dynamic socialization, values and action*, UMI Dissertation Publishing.
- Yalom, I. D. (1980). *Existential psychotherapy*, Itasca, IL: F.E. Peacock.